

## ویژگی‌ها و نشانه‌های مهیمن بودن قرآن نسبت به کتاب‌های پیشین\*

احمد سلامی (نویسنده مسؤول)<sup>۱</sup>  
سید محمدعلی ایازی<sup>۲</sup>

### چکیده:

قرآن در آیات متعددی خود را مصدق کتاب‌های پیشین معرفی کرده و در یکی از آیات، در کنار وصف «مصدق»، از وصف «مهیمن» برای بیان نسبتش با کتب پیشین، به‌ویژه تورات و انجیل استفاده کرده است. «تصدیق» به‌معنای تأیید انزال و هدایتگری است. بیشتر مفسران «همینه» را به‌معنای سیطره و تسلط قرآن دانسته و یکی از معانی یا لوازم آن را تبیین تحریف‌ها ذکر کرده‌اند. پرسش اساسی این است که مهیمن به چه معناست و چگونه با مصدق بودن سازگار خواهد بود؟ در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، کوشیدیم به برداشت دقیقی از ویژگی‌ها و نشانه‌های مهیمن بودن برسیم تا از این رهگذر بتوانیم به تصویر جامعی از ساخت معنایی نسبت قرآن با کتب پیشین، به‌ویژه تورات و انجیل دست یابیم. در نهایت این نتیجه به‌دست آمد که در آیات ضمن تأکید فراوان بر اصل انزال تورات و انجیل و شهادت بر وحیانی بودن و هدایتگری آن، در زمینه تفصیل (تنوع و تعمیق) معارف و تغییر احکام جزئی، قرآن واجد تمایزاتی برشمرده شده است. این معنا ارتباطی با نشان دادن تحریف‌های لفظی ندارد و در صدد دور نگه داشتن از تحریف معنوی، صیانت از اصالت دین و ارتقا به افقی وسیع‌تر است. مصدق و مهیمن بودن قرآن در منظومه ارتباطی بین ادیانی، مفهومی است که به‌نوعی ناظر به رسمیت بخشیدن به ادیان ابراهیمی در نظر گرفته می‌شود.

### کلیدواژه‌ها:

قرآن / مهیمن بودن / مصدق بودن / تورات / انجیل / کتب آسمانی

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۷، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۶/۳۰.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2021.61358.3269

salami020@yahoo.com

ayazi1333@gmail.com

۱- پژوهشگر دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله علیه السلام

۲- استادیار واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران



### مقدمه

هنگام مراجعه به آیات برای درک نسبت قرآن و کتب مقدس پیشین، از جمله تورات و انجیل، با دو وصف «مصدق» و «مهیمن» روبه‌رو می‌شویم. اگرچه پرتکرارترین وصف در این ساخت معنایی «مصدق» است و تنها در یک آیه از سیزده آیه، وصف «مهیمن» به‌کار رفته است (مائده: ۴۸)، اما در برداشت مفسران غلبه با وصف مهیمن بوده و تصدیق بیشتر به شکل تشریفاتی دیده شده است. پس از غلبه وصف مهیمن، دیدگاه‌های مختلفی در توجیه تصدیق بیان شده است، از جمله دو گانه تصدیق کتب اصلی / تحریف کتب فعلی و نیز تصدیق جزئی (بخشی از کتب). (بلاغی، ۱۴۲۰: ۲۸۴/۱؛ رشیدرضا، بی‌تا: ۱۵۶/۳) این دیدگاه‌ها در فضایی صورت گرفته که تسلط و تفوق قرآن بر کتب پیشین امری مسلم و مدلول مطابقی یا التزامی آیه ۴۸ سوره مائده دانسته شده است. ایده تحریف‌شدگی کتاب مقدس (از قرن دوم به بعد) نیز به کمک این برداشت‌ها آمده است. (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۳۸۱)

در شرایطی که فضای فکری غالب، اطراف تحریف کتاب مقدس و سیطره قرآن می‌چرخد، هنگام مراجعه روشمند به آیات، برداشت‌های دیگری بروز پیدا می‌کند. از جمله اینکه در هیچ یک از آیات سخنی از تحریف‌شدگی کتاب مقدس به میان نیامده و «تحریف کلام» (یحرفون الکلم) اولاً بیشتر ناظر به رفتار و سوء استفاده برخی یهودیان است (بقره: ۷۵؛ نساء: ۴۶؛ مائده: ۱۳، ۴۱)، ثانیاً درباره تحریف معنوی است، نه تغییر شکل از کتب اصلی به کتب فعلی؛ زیرا اساساً واژه تحریف به معنای تغییر معنای کلام و جلوه دادن معنا به گونه‌ای دیگر است. (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۱۱/۳؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲۳۳/۲؛ معرفت، ۱۳۸۶: ۱۷، ۱۸) از سوی دیگر، تأکید قرآن بر «تصدیق» در این دسته از دیدگاه‌ها دیده نشده یا به لوازم معنایی آن توجه نشده است. نسبت کاربرد مصدق به مهیمن ۱۳ به ۱ است و این خود بیانگر محوریت تصدیق در تبیین نسبت قرآن و تورات و انجیل و اهداف همدلانه قرآن با کتب مقدس است. تورات و انجیل در آیات متعددی در کنار قرآن قرار می‌گیرد و به‌عنوان چیزی که از سوی خدای متعال نازل شده و مورد توجه اهل کتاب است، به آن اشاره شده و «نور» و «هدایت» و «قانون پیامبران» و «موعظه» معرفی می‌شود؛ «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ» (مائده: ۴۴)، «وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ هُدًى وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ» (مائده: ۴۶). قرآن با بیان مصدق و مهیمن بودن خود نسبت به کتب آسمانی

پیشین از جمله تورات و انجیل، در صدد ترسیم تصویری جامع از جایگاه خود در جغرافیای دین (به معنای عام) بوده است. بر این اساس، برای نسبت‌سنجی قرآن با تورات و انجیل، مهمن بودن باید در کنار سایر معانی دیده شود.

در این تحقیق ضمن توجه ویژه به ارتباط این معنا با سایر معانی و یافتن ارتباط شبکه‌ای معانی، می‌کوشیم گامی در جهت فهم بهتر ساخت معنایی نسبت قرآن با کتب پیشین، به ویژه تورات و انجیل برداریم. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. همچنین یک بررسی درون‌دینی است و با مراجعه مستقیم به قرآن و استنطاق آن صورت گرفته است. کوشیده‌ایم با دقت در قراین درون‌متنی و برون‌متنی، به برداشت وفادارانه‌ای نسبت به آیات دست یابیم. یکی از مباحثی که در روش‌شناسی تحقیق به آن توجه داشته‌ایم، ارتباط میان آیات و جزیره‌ای نبودن معانی و یافتن ارتباط معانی مرتبط بوده است. معناشناسی قرآن در سال‌های اخیر یافته‌های مفیدی برای نحوه استنطاق قرآن در اختیار قرآن‌پژوهان قرار داده که در این تحقیق از آنها بهره‌مند شده‌ایم.

#### ۱. پیشینه

در تفاسیر مختلف به معنا و ویژگی‌های مهمن بودن قرآن پرداخته شده است. دیدگاه مفسران درباره معنای مهمن را به لحاظ تاریخی می‌توان در سه دسته بررسی کرد:

۱- در تفاسیر متقدم (تا قرن سوم) «أمیناً علیه/ مؤتمناً علیه» (امانتدار کتب پیشین) و «شهاداً علیه/ شاهدأ علیه» (شهادت بر حقانیت و نزول کتب پیشین از سوی خدای متعال) معانی مسلمی برای مهمن در نظر گرفته شده است. (مقاتل، ۱۴۲۳: ۱/۴۸۱؛ ابن قتیبه، بی تا: ۱۲۶؛ هواری، ۱۴۲۶: ۱/۴۲۹؛ ابوعبیده، ۱۳۸۱: ۱/۱۶۸) در این تفاسیر معانی «امانت» و «شهادت» به طور اجمالی و با دید بسیطی مطرح شده است.

۲- از اواخر قرن سوم در توضیح مهمن، معنای «مراقبت» مطرح می‌شود. طبری افزون بر شهادت و امانت، «مراقبت» از کتب پیشین را مطرح می‌کند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۷۲/۶) به تدریج از این مفهوم برداشتی متناسب با تحریف کتب پیشین صورت می‌گیرد. جصاص می‌نویسد: «امین بودن قرآن به این معناست که حقیقت آنچه را در کتب پیشین بوده، بدون تحریف و کم و زیاد، برای ما نقل می‌کند.» (جصاص، ۱۴۰۵: ۹۷/۴) طبری از قول ابن جریر می‌گوید: «امانتداری قرآن به این است که آنچه کتب پیشین گفته‌اند، اگر موافق قرآن باشد، تصدیق می‌شود، وگرنه تصدیق نمی‌شود.»



(طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/۳۱۳) بغوی می‌نویسد: «قرآن امین کتب پیش از خود است، به این معناست که اگر آنچه اهل کتاب از کتابشان نقل می‌کنند، در قرآن باشد، پذیرفته می‌شود، و اگر نه تکذیب می‌شود.» (بغوی، ۱۴۲۰: ۲/۵۷)

۳- در تفاسیر معاصر معانی حکومت (رشیدرضا، بی‌تا: ۶/۴۱۰ و ۱۱/۴۱)، سلطه در حفظ و مراقبت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۳۴۹) و برتری و حاکمیت (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۲/۵۸۴) برجسته شده است. رشید رضا شهادت قرآن بر جنس کتاب الهی را شامل بیان حقیقت کتبی که در اصل نازل شده از سوی خدای متعال هستند و نیز بیان شؤون مخاطبان آن کتب، از جمله فراموشی و تحریف می‌داند. (رشیدرضا، بی‌تا: ۶/۴۱۰، ۱۱/۴۱) طباطبایی می‌گوید: «تصدیق قرآن ناظر به آن است که معارف تورات و انجیل، حق و از جانب خدای متعال است و او می‌تواند به اراده خود، آن را نسخ و تکمیل کند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۳۴۹) کمالی در کتاب «نظریه الهیمنه فی القرآن الکریم» نوشته است: «هیمنه در لغت به معنای سروری و برتری و سیطره و مراقبت است و به مهیمن اجازه دخالت در شؤون مسیطر علیّه را می‌دهد.» (کمالی، ۱۴۳۷: ۱۰/۷۱) کتاب کمالی تنها اثری است که به شکل متمرکز به موضوع مهیمن بودن قرآن به این معنا پرداخته است. در این کتاب، پرتکرارترین وصفی که قرآن در تبیین نسبت خود با کتب پیشین به کار برده (یعنی مصدق)، مغفول واقع شده و همین امر موجب یک‌سونگری در فهم آیات شده است.

## ۲. بررسی لغوی «مهیمن»

کاربرد واژه «مهیمن» در زبان عربی بسیار اندک است؛ به گونه‌ای که استشادهای کتب لغت به این واژه و هم‌خانواده‌هایش بیش از پنج یا شش مورد نیست. (ازهری، ۱۴۲۱: ۶/۱۷۶، ۱۷۷) این مسأله، ریشه‌یابی را با ابهاماتی همراه کرده است. در این زمینه دو طیف دیدگاه می‌توان بازشناخت:

### ۲-۱. اصالت عربی

لغویان متقدم در این طیف قرار می‌گیرند. تشخیص بیشتر آنها این بوده که مهیمن همان «مؤمن» است. (جوهری، ۱۳۷۶: ۵/۲۰۷۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶/۶۳؛ ابوحاتم رازی، ۱۹۵۶: ۲/۷۴) در این طیف، معانی «امین / مؤتمن» (ازهری، ۱۴۲۱: ۶/۱۷۶؛ ابن

سیده، بی تا: ۱۵۶/۱۷)، «شاهد» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶۳/۶) و «رقیب» (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۹/۴) پرتکرار هستند.

## ۲-۲. اصالت غیرعربی

مطابق برخی کتب لغت سریانی و کلدانی و تحقیق‌های جدید مستشرقان، غیرعربی بودن برجسته می‌شود. در «فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی» آمده است که ماده «هِیْمَنَ» عبری (himân) و به معنای «آمین گفتن» و «ناظر و شاهد بودن» و واژه «المُهیمین»، آرامی (mehimân) یا سریانی (mhayman) و از اسمای خدای متعال، به معنای شاهد و ناظر است. (مشکور، ۱۳۵۷: ۹۶۷/۲) آرتور جفری این واژه را سریانی می‌داند. (جفری، ۱۳۸۶: ۳۹۲) مصطفوی نیز مهیمن را مأخوذ از زبان سریانی دانسته و اشتقاق از ماده «أمن» را رد می‌کند. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۱۷/۱۱) در کتاب لغت کلدانی-عربی اوجین منّا، برای واژه مهیمن معانی «آمین»، «وکیل» و «خادم» (اوجین منّا، ۱۹۷۵: ۱۷۲) و در فرهنگ لغت سریانی لوئیس کوستاز، معانی «مصدق»، «آمین»، «مؤانس» و «موکل» ذکر شده است. (Costaz, 2002: 76) جاسترو در فرهنگ لغت ترگوم، «هِیْمَنَ» را به «اعتماد کردن» و «شهادت دادن» ترجمه کرده است. (Jastrow, 1903: 347)

با توجه به استشادهای نادر به واژه در کلام عرب،<sup>۱</sup> اشاره ازهری (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۷۶/۶)، نقل قول ثعلبی (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷۴/۴) و تحقیقات جدید، می‌توان گفت شواهد بیشتری برای اصالت غیرعربی وجود دارد. با این حال در هر دو طیف دیدگاه، بر معنای «امانت» و «شهادت» تأکید شده است. اما در هیچ یک از کتب لغت، معنای «سیطره» برای مهیمن بیان نشده است. گویا منشأ تصور مترادف با «مسیطر» و «مسلط»،<sup>۲</sup> کلام ابن‌دُرید باشد.<sup>۳</sup> اما باید گفت ابن‌دُرید هیچ‌گونه ارتباط معنایی میان «مهیمن» و «مسیطر» برقرار نکرده و نام بردن «مسیطر» تنها به‌عنوان مثال برای لفظی که به صیغهُ مصغَر است و معنای تصغیر ندارد، بوده است، نه در جهت تبیین معنای «مهیمن». (ابن‌دُرید، ۱۹۸۸: ۱۲۷۲/۳)<sup>۴</sup>

## ۳. بررسی روابط «مهیمن» با سایر معانی

«مهیمن» در آیه محوری تحقیق «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ» (مائده: ۴۸)، هم‌نشین «مصدق» شده است. در این آیه، فاعل و معمول «مهیمن» همان فاعل و معمول «مصدق» است. فاعل آن «الکتاب: قرآن» و



معمول آن «ما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ: کتاب‌های پیشین» است. در این بافت «کتب پیشین» به‌عنوان یک مفهوم مبهم و بدون مصداق به‌کار نرفته است، بلکه تورات و انجیل موجود نزد اهل کتاب، به‌عنوان مصادیق بارز «کتب پیشین» مطرح شده و ضمن انتساب انزال تورات و ایتای انجیل به خدای متعال، اوصافی مانند نور و هدایت ذکر گردیده است. بنابراین «اسفار خمسه» و «مجموعه اناجیل» مصداق تورات و انجیل است.<sup>۵</sup>

### ۳-۱. مصدق بودن

قرآن در سیزده آیه، «مصدق» و «تصدیق» کتاب‌های پیش از خود و آنچه نزد اهل کتاب است، معرفی شده است (بقره: ۴۱، ۸۹، ۹۱، ۹۷؛ آل عمران: ۳؛ نساء: ۴۷؛ مائده: ۴۸؛ انعام: ۹۲) و در برخی از این آیات تأکید بر تورات و انجیل صورت گرفته است (آل عمران: ۳، مائده: ۴۸). تصدیق به‌معنای «نسبت صدق دادن»، «راست‌پنداشتن»، «تأیید» و «قبول» است. (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۳۵؛ راغب، ۱۴۱۲: ۴۸۰) قرآن هنگام بیان مصدق بودن، همواره آن را در لایه‌ای از معانی چندگانه شامل «انزال/ تنزیل» (بقره: ۹۱، ۹۷)، «وحي» (فاطر: ۳۱) و «هدایت» (احقاف: ۳۰) می‌پیچد. این هم‌نشینی که بیانگر بخشی از مؤلفه‌های معنایی مصدق است، درک مقصود را ساده‌تر می‌سازد. از بررسی ارتباط معانی درمی‌یابیم که یکی از وجوه تأیید قرآن، مسأله انزال، و حیانی بودن و هدایت‌گری است و قرآن با پی‌ریزی این شبکه معنایی، بر انتساب کتب پیشین، از جمله تورات و انجیل به منبع غیبی صحه گذاشته است. ضمن اینکه معانی «انزال» و «هدایت» در آیات متعددی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به تورات و انجیل نسبت داده شده است (آل عمران: ۳، ۶۵، ۹۳؛ مائده: ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۶۶، ۶۸). طباطبایی می‌نویسد: «آیه شریفه [آل عمران: ۳] خالی از دلالت بر این معنا نیست که تورات و انجیلی که در دست یهود و نصارا است، از برخی مطالبی که خدای متعال بر حضرت موسی و حضرت عیسی نازل کرد، تهی نیست.» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/۳)

قرآن اشتراک در انزال، و حیانی بودن و هدایت‌گری را اصلی اساسی در نسبت میان قرآن و سایر کتب آسمانی می‌داند و اختلاف را در سطحی غیر از منشأ و ماهیت بررسی می‌کند. این سطح از اشتراک که بارها مورد تأکید واقع شده است، در شکل‌دهی به رابطه ادیان آسمانی، از جمله ادیان ابراهیمی، نقش بی‌بدیلی دارد. البته انزال تورات و انجیل به این معنا نیست که این دو مجموعه عیناً همان چیزی است که به حضرت

موسی و حضرت عیسی علیه السلام وحی شد. در عین حال این مسأله باعث نشده که معنای انزال درباره آنها به کار نرود. بنابراین مصداق انزال را نباید منحصر به صورت اصلی وحی بدانیم. تأیید و اشتراک قرآن طبعاً اجمالی است و به معنای راست دانستن تمام آموزه‌های تورات و انجیل نیست. در عین حال ارتباطی با محرّف دانستن تورات و انجیل نیز ندارد. تصدیق اجمالی یک امر عرفی است که از قوانین حاکم بر اطلاعات زبانی استفاده می‌شود و اثبات آن منوط به آیات نیست.

نکته دیگر اینکه در آیات مختلف فقط حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کتاب او نیست که به مصدق بودن توصیف شده است. مصدق بودن یک رابطه درونی در مجموعه آیات الهی است. آیات خدا در سراسر تاریخ نازل شده و همگی، کلمات پروردگار و نشانه‌ای از او هستند و از جهت انتساب به ذات الهی، تفاوتی میان آنها نیست. اما شیوه نزول آیات این گونه نبوده که مجموعه‌ای از آیات پراکنده بر بشر نازل شود که هیچ رابطه‌ای با هم نداشته باشند، بلکه بعضی از آیات نقش تصدیقی برای بعضی دیگر داشته‌اند. بنابراین با مجموعه‌ای از آیات پراکنده مواجه نیستیم، بلکه این مجموعه پیوسته یکدیگر را تأیید کرده‌اند.

### ۳-۲. تفصیل

در دو آیه از آیات سیزده‌گانه، بلافاصله بعد از تصدیق، مفهوم «تفصیل» مطرح شده است، یک بار با عبارت «وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» در آیه: «مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» (یوسف: ۱۱۱)، و یک بار با عبارت «وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ» در آیه: «وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ» (یونس: ۳۷). عبارت «تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ» بیانگر تبیین گسترده قرآن در حوزه معارف الهی نسبت به همه چیز است.<sup>۶</sup> طبرسی می‌نویسد: «معنای «تفصیل»، تبیین و آشکارسازی معانی به نحوی است که از آمیختگی و خلط معانی دور باشد و همچنین از تداخل که موجب شود بیان مقصود نارسا باشد.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۴۶/۴) این معنا نزدیکی زیادی به آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) و آیه «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام: ۳۸) دارد. موضوع «جامعیت قرآن» در مباحث علوم قرآنی به تفصیل بررسی شده است. از جمله در توضیح جامعیت گفته شده: «جامعیت یعنی وجود مجموعه رهنمودها و دستوراتی که پاسخگوی نیازهای انسان در راه دستیابی به



سعادت و خوشبختی در هر عصر و زمان باشد» (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۸) و با توجه به اینکه قرآن در رابطه با هدایت انسان‌هاست و هدایت نیازمند ارائه برنامه است، برنامه دعوت انبیا در قلمرو وظیفه آنان است. (همان، ۲۵)

در آیه ۱۵۴ انعام و ۱۴۵ اعراف، عبارت «تَفْصِيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ» به ترتیب برای «کتاب موسی» و «الواح موسی» به کار رفته است. مطابق این آیات، شباهت قرآن و شریعت حضرت موسی عليه السلام در «جامعیت» روشن است. قرآن شرایع پیش از خود را در جهت هدایت مخاطب خود، به تمام ابزارهای ضروری مجهز دانسته است. بنابراین جامعیت جزء نقاط مشترک همه شرایع است و نباید آن را وصف اختصاصی اسلام و قرآن بپنداریم.<sup>۷</sup>

اما تعبیر «تفصیل الکتاب» معنای متفاوتی را می‌رساند. بنا بر اینکه «الکتاب» ناظر به جنس کتاب آسمانی باشد، عبارت بیانگر آن است که میان قرآن و سایر کتب آسمانی اختلافی نیست، مگر در اجمال و تفصیل؛ یعنی قرآن تفصیلی برای اجمال آنهاست. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۴/۱۰) در این صورت معنا ناظر به تعمیق و تنوع مضامین قرآن نسبت به کتب پیشین خواهد بود. از آنجایی که در فرآیند وحی همواره عنصر «تناسب با مخاطب» لحاظ می‌شود، وقتی نوبت به شریعت خاتم می‌رسد که مخاطب آن به لحاظ رشد و تکامل عقلی متفاوت از عصرهای پیش از خود است، مضامین وحی نیز متناسب با این مخاطب، عمیق‌تر و متنوع‌تر می‌شود. قرآن در عین آنکه تأییدکننده کتب آسمانی پیشین معرفی می‌شود، در عرضه معارف به مخاطب خود واجد عنصری متمایز، یعنی «تفصیل» شمرده می‌شود. مقوله جامعیت اگرچه به لحاظ شمول نسبت به ابزار هدایت درباره همه شرایع صادق است، اما از بُعد مقایسه شرایع با یکدیگر، با توجه به آیه ۳۷ سوره یونس، باید گفت آخرین شریعت و آخرین کتاب در تبیین معارف و حیانی متمایز عمل کرده است. این معنا می‌تواند ما را به درک یکی دیگر از شاخصه‌های مهمی بودن قرآن نزدیک کند.

### ۳-۳. تغییر و توسعه برخی احکام

طبق آیه «وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأَحْلَلْ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ» (آل عمران: ۵۰)، حضرت عیسی عليه السلام ضمن آنکه مصدق تورات بود، در برخی احکام فقهی آن، تغییراتی ایجاد کرد و بعضی حرام‌ها را بر بنی اسرائیل حلال کرد. این آیه اگرچه درباره حضرت عیسی عليه السلام است، ولی می‌توان اصلی مشترک از آن به دست آورد. مصدق بودن



در فرهنگ قرآن بیانگر نسبتی میان آیات الهی است که مطابق آن، شریعت جدید، شریعت‌های پیشین را تصدیق می‌کند. تطبیق آیه مذکور بر پیامبر اسلام ﷺ این نتیجه را به همراه دارد که ایشان ضمن تصدیق تورات و انجیل، برخی احکام فقهی را تغییر داده و احکام جدیدی جایگزین کرده است. البته این تغییر، یک مسأله فرعی و فقط مربوط به بخشی از احکام فقهی شریعت بوده است، نه اینکه متضمن سرآمدن حقانیت و بطلان شریعت پیشین باشد. شرایع مطابق آیات متعدد، ذات و ماهیت واحدی دارند و هر شریعت، صورت و شکلی از دین واحد است (آل‌عمران: ۱۹، ۶۷؛ حج، ۷۸؛ شوری: ۱۳). شریعت خاتم نیز همان راهی را رفته که شرایع پیشین پیموده‌اند (احقاف: ۹).

#### ۴. ساخت معنایی مهیمن

معانی «تصدیق»، «تفصیل» و «تغییر جزئی» بیانگر بخشی از شاخصه‌هایی هستند که مقصود از مهیمن بودن را نشان می‌دهد. به عبارتی، تحقق مفهوم هیمنه و وجوه مختلف آن و چگونگی عینیت یافتن آن را می‌توان از این طریق به دست آورد. با توجه به نتایج بررسی‌های لغوی و شواهد متنی، با تکیه بر مفهوم «امانت» و «شهادت»، به بیان مؤلفه‌های معنایی و لوازم مهیمن بودن قرآن می‌پردازیم.

- ۱- معنای امانت و شهادت افزون بر آنکه بنا بر دیدگاه اصالت اعجمی از زبان سریانی یا آرامی به دست می‌آید، از سوی مفسران نیز تأکید شده است.
- ۲- «امانت» نقیض خیانت است و «امین» کسی است که امانتی به او سپرده می‌شود و او مسؤول صیانت از آن است.
- ۳- اگر قرآن امانت‌دار تورات و انجیل دانسته شده است، این معنا باید با توجه به اینکه چه چیزی نزد او به امانت سپرده شده و نگهداری و مراقبت از آن به چه نحوی صورت می‌گیرد، تبیین گردد.
- ۴- نباید این‌گونه تلقی شود که امانت‌داری صرفاً شامل برخی اقدامات سلبی است، بلکه فرد امین علاوه بر آنکه از وقوع انواع آسیب‌ها جلوگیری می‌کند، گاهی باید برای حفظ اصالت شیء مورد نظر اقدامات تأسیسی انجام دهد. در نتیجه مؤلفه‌های مهیمن بودن عبارت است از:

- ۱- پذیرش اصل انزال کتب پیشین و شهادت بر و حیانی بودن و هدایت‌گری آنها.
- ۲- تفصیل و تکمیل معارف با تنوع بخشی و عمق بخشی به آن.



### ۳- تعالی و توسعه برخی احکام.

بعثت پیامبر اسلام ﷺ و نزول کتاب بر ایشان، در امتداد جریان تاریخی ارتباط خاص خدای متعال با بشر (وحی) قرار می‌گیرد. غرض از بعثت پیامبر جدید این است که با تکرار معارف اساسی و ارائه آموزه‌های متناسب با شرایط زمانه، از فراموشی و از بین رفتن یاد خدای متعال و برداشت‌های نادرست از دین جلوگیری، و راه تقرّب به خدای متعال هموار شود. این اتفاق یعنی ارسال رسول جدید، انزال کتاب جدید و در نتیجه، تشکیل شریعت جدید که با تکیه بر رسول، کتاب و شریعت پیشین صورت می‌گیرد، گامی اساسی در جهت ماندگاری دین واحد (اسلام) به‌شمار می‌رود. وحی جدید بهترین مفسّر وحی پیشین است. قرآن ضمن آنکه اصل انزال و وحیانی بودن و هدایت‌گری کتب پیشین را به‌طور اجمالی تأیید می‌کند، با تبیین و تفصیل آموزه‌ها و پرده برداشتن از ابعاد جدید و ارتقای معارف (نه تنها به دلیل بالا رفتن سطح مخاطب)، و نیز با ایجاد برخی تغییرات در احکام فقهی، مهیمن بودن خود را آشکار می‌سازد تا از این طریق، مانع سوء برداشت از وحی و مصادره دین توسط سودجویان شود. در توضیح مهیمن بودن قرآن نسبت به تورات و انجیل، توجه به تفکیک ساحت دین از ساحت شریعت حائز اهمیت است. این تفکیک کاملاً بر مؤلفه‌های «تفصیل» و «تغییر» قابل تطبیق است. تفصیل و تکمیل ناظر به ساحت دین؛ یعنی اصول مشترک تمامی شرایع، و تغیر و توسعه ناظر به ساحت شریعت است؛ یعنی متغیرهایی که باعث تمایز صورت‌های مختلف دین واحد می‌شود.

تعلیمات پیامبران تفاوت جوهری و اختلاف تباینی نداشته و تنها در راه و روش و شیوه رسیدن به مقصود تفاوت داشته‌اند و به تعبیری، تفاوت تعلیمات انبیا با یکدیگر، از نوع تفاوت تعلیمات کلاس‌های عالی‌تر با کلاس‌های پایین‌تر است. (مطهری، ۱۳۸۸: ۵۱۶/۱) نسبت قرآن و تورات و انجیل مطابق انگاره مصدق و مهیمن بودن، یک نسبت طبیعی است. قرآن در صدد ارزش‌گذاری کتب و مرزبندی میان آنها نبوده است. مسیری که جریان ارتباط خاص با عالم غیب در طول تاریخ طی کرده تا به ختم نبوت منتهی شده، در هماهنگی با طبیعت و اقتضائات بشر بوده است، نه اینکه بخواهد او را به موضع‌گیری منفی درباره گذشته یا آینده شریعت وا دارد.

## ۵. نشانه‌های مهیمن بودن

نشانه‌های مهیمن بودن شامل مواردی است که هریک در ترسیم هرچه بهتر معنای مهیمن نقش ایفا می‌کنند. این نشانه‌ها که نوعی پشتوانه معرفتی برای تبیین نسبت قرآن با کتب پیشین به‌شمار می‌روند، از این قرار است:

### ۵-۱. اکمال دین

تفصیل کتاب و تغییر برخی احکام که به‌عنوان مؤلفه‌های مهیمن بودن بیان شد، بر مبنای اکمال دین قابل درک خواهد بود. مطابق آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)، دین در شکل نهایی خود واجد کمال شمرده شده است. فارغ از اینکه چه چیزی باعث کمال دین شده و فارغ از اختلافی که میان دو گروه از مسلمانان در این زمینه وجود دارد، با توجه به اینکه اصطلاح دین در قرآن ناظر به حقیقت واحد مشترک میان تمام شرایع است، از عبارت «دینتان را برایتان کامل کردم»، روشن می‌شود که آن حقیقت واحد در منهج و شریعت جدید، به کمالی دست یافته که در شکل‌های پیشین به این حد نرسیده بود. اگر انسانیت انسان و وجه تمایز او به عقلانیتش باشد، رشد عقلانی در سیر خلقت، مستلزم ارتقای معارف نازل شده بر اوست. با عنایت به اصل مسلم هماهنگی عالم تکوین و تشریح، هرچه خالق هستی در عالم تکوین بهره بیشتری از عقلانیت به انسان داده، کلمات او در عالم تشریح نیز در هماهنگی با مخاطب، به سطوح والاتری ارتقا یافته است. تکامل شریعت همچنین از آیه ۱۳ سوره شوری به‌دست می‌آید.

### ۵-۲. ختم نبوت

مطابق آیه «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب: ۴۰)، حضرت محمد ﷺ آخرین فرستاده خدای متعال بر روی زمین است. بسته شدن دروازه وحی پس از آخرین رسول خدا، مستلزم اتخاذ تدبیری ویژه برای آینده است. در تاریخ دین، رسالت رسول جدید و تشکیل شریعت جدید سبب جلوگیری از مصادره دین توسط ناهالان بوده است. اما در عصر خاتمیت، آینده دین شکل متمایزی به خود می‌گیرد. در دورانی که قرار نیست پیامبر جدیدی مبعوث شود، سازوکار ارتباط انسان با عالم غیب تغییر می‌کند.



این بار به جای معرفی شریعت و پیامبر بعدی و بشارت به آن، سازوکار هدایت انسان بر محوریت «کتاب» و «سنت» شکل می‌گیرد. مطابق حدیث ثقلین، تدبیر پیامبر برای ایام پس از رحلتش، به جای گذاشتن «ثقلین» (دو ودیعه گرانبها) بوده است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۹۴؛ نسائی، ۱۴۱۱: ۴۵/۵)

اگر محور دین در عصر پیامبران شخص نبی بوده، حال و روز انسان در دوران ختم نبوت با کتابی گره خورده است که مهیمن بر کتاب‌های پیشین است و او را از وحی جدید بی‌نیاز می‌کند. چنین راهبردی اقتضا می‌کند که کتاب و سنت به شکل کافی، دربردارنده چیزی باشد که مورد نیاز انسان برای رسیدن به سعادت است. محوریت کتاب در شریعت خاتم در مقایسه با شریعت‌های پیشین، برجسته و جالب توجه است.

### ۳-۵. محفوظ ماندن قرآن

کتابی که قرار است آخرین کتاب باشد و در عصرهای بدون پیامبر، با امانتداری از کتب پیشین، نقش یگانه‌ای در راهنمایی بشر به سوی سعادت ایفا کند، به‌طور طبیعی باید بدون تغییر بماند. امانتداری قرآن تنها در صورتی به شکل کامل محقق خواهد شد که سازوکاری برای بقای حداکثری شکل اولیه آن در نظر گرفته شده باشد. در شرایط فقدان وحی جدید، راهی جز تمسک به آخرین کتاب نیست و این کتاب اگر به لحاظ متنی، سراسر دگرگون شود، ابزار هدایت مخدوش خواهد بود و حجت بر بندگان خدا تمام نخواهد بود. قرآن به اراده خدای متعال مصون از تحریف لفظی به زیاده (طبق اجماع همه مسلمانان) و نقصان (طبق دیدگاه اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان) است. (خوبی، بی‌تا: ۲۰۰/۱) این اعتقاد از آیاتی مانند «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر: ۹) به دست می‌آید. بنابراین اصل الفاظ قرآن به همان شکلی که نازل شده، اکنون در دسترس تمام مسلمانان است.<sup>۱</sup> اختلاف‌های جزئی در مصحف‌ها چیزی از قبیل اختلاف در نوع قرائت است و آسیبی به معنای کلی الفاظ وارد نکرده است.

یکی از اختلاف‌های قرآن و کتب پیشین مربوط به تغییر زبان است. زبان حضرت عیسی علیه السلام «آرامی» بوده و زبان اصلی اناجیل «یونانی» است. عهد قدیم نیز اگرچه در اصل به زبان عبری (زبان حضرت موسی علیه السلام) نوشته شده، ولی مبنای الهیاتی یهودیت تا مدت‌ها (تا سال ۱۰۰ میلادی) ترجمه یونانی سبعینه بوده است. قطعاً در فرآیند تغییر زبان اتفاقاتی می‌افتد که تأثیراتی بر متن می‌گذارد. در واقع ما هنگام خواندن عهد جدید

با ترجمه کلام حضرت عیسی علیه السلام مواجه‌ایم، درحالی که قرآن با همان زبانی که نازل شد، در دسترس است. قرآن بارها بر «زبان عربی مبین» خود تأکید می‌کند و از آنجایی که این زبان در طول قرون در جای خود حفظ شده، موجب آن شده است که قرآن نسبت به کتاب مقدس دارای وجه ممتازی باشد؛ زیرا با معضلات ترجمه همراه نیست و با مخاطبان آشنای خود، به‌طور مستقیم ارتباط برقرار می‌کند، نه با وساطت مترجم.

## ۶. بررسی اجمالی یک نمونه

جلوه‌ای از مهمی بودن را می‌توان در بررسی تطبیقی قرآن و تورات و انجیل در موضوع «توحید» دید. توحید در تورات با اعطای «اله» به بنی‌اسرائیل همراه است. این «اله» که در مقابل آلهه سایر اقوام قرار می‌گیرد، گویا تنها به این قوم تعلق دارد: «يَهُوَه» خدایت از میان جمله ملت‌هایی که بر زمین هستند، تو را همچون قوم خود انتخاب کرد» (تثنیه، ۶/۷)، «آیا قومی هست که آوای خدای زنده را که از میان آتش صحبت می‌کند، آن‌گونه که تو شنیدی، شنیده باشد و زنده مانده باشد؟ آیا خدایی هست که آمده باشد تا ملتی را از میان ملتی دگر بهر خویش بجوید؟» (همان، ۳۳/۴؛ همچنین نک: خروج، ۱۰/۳؛ تثنیه، ۱۷/۲۶-۱۹) تصور «خدای ما» نزد بنی‌اسرائیل بسیار جدی است و يَهُوَه در نگاه ایشان همواره در برابر «خدای دیگران» قرار می‌گیرد. (خروج، ۱۴/۳۴) گفته شده در تورات به‌صراحت نیامده که خدای واحدی برای همه عالم است و همه انسان‌ها باید پرستش خدایان را رها کرده و فقط او را پرستند، در عوض به شکل خاص فقط به بنی‌اسرائیل خدایی اعطا می‌شود تا به‌جای بت‌های مصنوع بر او سجده کنند. (صدر، ۱۴۳۲: ۹۵) این مسأله زمینه تصور برتری قومی و نژادی را فراهم می‌کند؛ زیرا خدایی که به آنها داده شده، خدایی مختص و انحصاری است. به مرور زمان می‌بینیم یهودیان خدای واحد را به احتکار خود درمی‌آورند.

در انجیل تصور قومی و نژادی از خدا گرفته می‌شود و او یک موجود فراقومی و متعلق به همه عالم دانسته می‌شود: «چه خدا چندان جهان را دوست داشته است که پسر خویش، آن پسر یگانه را بداده تا آن کس که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد، بلکه حیات جاودان یابد. چه خدا پسر را به جهان گسیل نداشته است تا جهان را داوری کند، بلکه تا جهان به میانجی او نجات یابد» (یوحنا، ۱۶/۳، ۱۷)، «از این روی، میان یهودی و یونانی تمایزی نیست: همگان یک خداوند دارند که بهر جمله کسانی که او را



می‌خوانند، توانگر است. چه هرکس نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت.» (رساله به رومیان، ۱۲/۱۰، ۱۳) اما فکر توحیدی در انجیل به‌طور کامل از حسیات، تجرید و تنزیه نمی‌شود و به تشبیه نزدیک است. انسان در مواضع متعددی «ابن الله» دانسته می‌شود (از جمله متا، ۴۵/۵؛ ۴/۶) که بیانگر این است که همه انسان‌ها با هر زبان و فرهنگی فرزندان خدا هستند و خدای واحد «پدر» آنهاست، نه فقط خالق و قادر و عالم مطلق.

تفکر توحیدی وقتی به قرآن می‌رسد، به تنزیه نزدیک می‌شود و بر تهی کردن مفهوم خدا از هر نوع تعلق مادی و تشبیه تأکید زیادی صورت می‌گیرد. آرمسترانگ می‌نویسد: «نام‌های خدا در قرآن همگی این را یادآوری می‌کند که خدایی که مؤمنان پرستش می‌کنند، در مقوله‌های بشری نمی‌گنجد و تعریف ساده‌انگارانه را بر نمی‌تابد.» (آرمسترانگ، ۱۳۸۵: ۱۷۷) یکی از اوصافی که مکرر در قرآن به پیامبر نسبت داده می‌شود، «عبد» است (اسراء: ۱، کهف: ۱؛ فرقان: ۱). تأکید بر عبد بودن پیامبر خاتم و سایر پیامبران (ص: ۱۷، ۴۵)، بیانگر آن است که رابطه خدا و انسان را باید فراتر از تعلقات مادی دانست و حتی برترین انسان‌ها جز بنده او نیستند. توحید به‌عنوان رکن اساسی دین و نقطه مشترک دعوت انبیا، درجات متفاوتی دارد. حکمت خدا اقتضا می‌کند که انسان به تدریج برای دریافت درجات توحید آماده شده و به عمق آن نزدیک گردد. عالم غیب به یکباره بر انسان نمایان نمی‌شود، بلکه درجه به درجه و مرحله به مرحله اتفاق می‌افتد. سیر تطوّر فکری بشر درباره توحید از تشبیه و تجسیم به سوی تنزیه در حال حرکت بوده و هر مرحله‌ای، انسان را برای دریافت مرحله بعدی آماده کرده است. بنابراین باید گفت بخشی از نامتوازن بودن معارف شرایع، به اختلاف سطح مخاطبان شریعت و تنوع شیوه عرضه معانی به تناسب آن باز می‌گردد. کیفیت وجودی انسان و میزان بلوغ و پختگی او در عصرهای پیش از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، به گونه‌ای نبوده که معارف به یک شکل نازل شود.

این برداشت از مهیمن بودن که مبتنی بر پذیرش حقانیت آموزه توحید در کتب پیشین و در عین حال، ارتقای آن به سطحی والاتر است، تا حدّ زیادی متفاوت از برداشت مفسران به‌ویژه متأخران است. برخی محققان گفته‌اند: «صراحت و روشنی برخی عبارات کتب عهدین در مورد خداوند به‌گونه‌ای است که جای هیچ‌گونه تفسیر و تأویل را باقی نمی‌گذارد و به‌طور قطع، می‌توان از آنها دیدگاه غیرتوحیدی و

خداشناسی انسان‌انگاران و تشبیه و تجسیم را استنتاج کرد.» (حیدری، ۱۳۹۳: ۴۴) کمترین توجه به موضوع حیاتی تطوّر فکر بشر و اكمال دین (اینکه بشر از روز اوّل خلقت تاکنون در یک سطح از درک و آگاهی نبوده و به همین مناسبت، فکر توحیدی نیز نمی‌توانسته در طول تاریخ همیشه در یک سطح باشد) کافی است تا بتوان برداشت‌های دیگری ارائه داد. اشکال روشی تحقیق مذکور این است که چون عهدین را کنار قرآن قرار می‌دهند، انتظار دارند عین معارف قرآن را در آن بیابند و وقتی به نتیجه نمی‌رسند، به خداشناسی انحرافی عهدین حکم می‌دهند و مثال‌هایی از آن بیرون می‌کشند تا ادعای خود را اثبات کنند، درحالی که این مثال‌ها کاملاً در سیر تطوّر فکر توحیدی قابل فهم هستند.

در مجموع باید گفت آموزه‌های قرآن در مقایسه با کتب پیشین در مجموع به اعتدال انسانی نزدیک‌تر شده، توحید عمیق‌تر گشته و به تنزیه نزدیک‌تر شده، مناسک هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ سهولت و صعوبت، به جایگاه معتدلی رسیده، نگاه‌های قبیله‌ای و قومی تعدیل شده، خط‌کشی‌های غیرالهی کنار گذاشته شده، اشتراک انسان‌ها برجسته شده و اهداف و اصول انسانی مانند کرامت، عدالت و آزادی به وضعیت مطلوب نزدیک‌تر شده است. ابن ربین طبری قرآن را به لحاظ گستردگی و عمق مضامین، با تورات و انجیل و زبور و سایر کتب انبیا مقایسه کرده و می‌گوید: «من همه کتاب‌های ماندگار را دیده‌ام و در دنیا هیچ کتابی مثل قرآن ندیدم که جامع توحید و ستایش خدای عزوجل و تصدیق پیامبران و تشویق به اعمال نیک و امر به معروف و نهی از منکر و ترغیب به بهشت و برحذر داشتن از آتش باشد.» (ابن ربین، ۱۳۹۳: ۹۸) او همچنین دلیل تفاوت قرآن و سایر کتب را این‌چنین بیان می‌کند: «کتب آسمانی غیر از قرآن توسط افرادی ادیب و عالم، آن هم با استفاده از قدرت تفکر و ریاضت و نیز اندوخته‌های تجربه زندگی در شهر و شنیدن خبرهای گوناگون و هم‌نشینی با علما تألیف شده است، اما قرآن کتاب فردی امّی است که چیزی از کسی نشنیده و رفت‌وآمدی به مجالس علما نداشته و با این حال، کلماتی را به زبان آورده و ادعای مقابله به مثل نموده است.» (همان: ۱۰۱)

در نتیجه در نسبت‌سنجی تورات و انجیل با قرآن، شایسته است به‌جای تأکید بر تحریف‌شدگی، به اصول مشترک شرایع و ارتقای معارف توجه شود. کم‌دقتی در معنایابی و نیز عدم تبیین جایگاه معانی مرتبط در جغرافیای معرفتی قرآن، کار را



به جایی رسانده که با غلبه آموزه تحریف، آموزه تصدیق به یک امر تشریفاتی، تزیینی، غیرواقعی و بدون کارکرد تبدیل شده است. امروز با طرح مسأله تصدیق، اشکالات متعددی به اذهان خطور می‌کند و تحریف رکن رکین این شکل ناموزون هندسی به شمار می‌رود.

با توجه به آنچه گفته شد، مهیمن بودن ارتباطی با نشان دادن تحریف‌های لفظی ندارد و در صدد دور نگه داشتن از تحریف معنوی دین و صیانت از اصالت آن و بالا بردن آن به افقی وسیع‌تر است. تحریف معنوی شامل موارد متعددی مانند تبیین معارفی که برخی بزرگان اهل کتاب مخفی می‌کنند، ارائه تفسیرهای درست و مبارزه با برداشت‌های نادرست می‌شود. قرآن در آیات متعددی نسبت به تحریف معنوی معارف شرایع به دست برخی اهل کتاب واکش منفی نشان داده است (مائده: ۱۵). به روشنی مقصود این نیست که به صورت تکوینی جلوی تحریف‌گران گرفته شود، بلکه تجدید وحی و نزول قرآن و عرضه معارف وحیانی، مانع انحراف دین از مسیری که در طول تاریخ طی کرده، می‌شود. وحی جدید بهترین مفسر وحی پیشین است.

رویکرد غالب محققان در معنایابی مصدق و مهیمن بودن قرآن این‌گونه بوده که برای اثبات برتری و خوداتکایی قرآن، به کم‌رنگ جلوه دادن کتاب‌های پیشین پرداخته‌اند. نتیجه این رویکرد، بی‌اعتمادی کلی به آن کتب است. رویکرد مقابل به قصد صحه گذاشتن اجمالی بر کتب پیشین، به ذکر اشتراک‌هایی مانند وحدت منشأ صدور و حق و هدایت و رحمت بودن می‌پردازد. تورات و انجیل در عصر نزول قرآن کارکردهایی در شناخت برخی مفاهیم قرآن داشته، نه اینکه نگاه موزه‌ای به آنها شده باشد. می‌بینیم که بخش‌هایی از قرآن به نوعی در گفت‌وگو با بخش‌هایی از تورات و انجیل بوده است. این گفت‌وگو شامل چند صورت بوده است: تکمیل، برطرف کردن سوء فهم، یادآوری و تغییر جزئی احکام. طی ۲۳ سال نزول تدریجی قرآن، با اتفافی مواجه‌ایم که در حال شکل‌گیری است. این اتفاق در یک خلأ فکری و فرهنگی و در فضایی که هیچ مصداقی برای متن مقدس وجود ندارد، نیفتاده است. آیات بسیاری که با مخاطب یهودی و مسیحی سخن می‌گوید، آیات بسیاری که به موضوعات مطرح در ادیان پیشین (مانند تاریخ حضرت موسی علیه السلام) پرداخته، و سایر آیاتی که موضوعی مشترک را مطرح کرده است، همگی در فضایی نازل شده که کتاب مقدس به عنوان دارایی به جا مانده از انبیای پیشین، محل رجوع متدینان بوده است.



چگونگی گفت‌وگوی اسلام با ادیان هم‌خانواده یهودیت و مسیحیت و نیز مطالعات تطبیقی قرآن و کتاب مقدس که امروزه مورد توجه بسیاری از محققان ادیان قرار گرفته است، وابسته به برخی پیش‌ساخت‌های معرفتی، از جمله شیوه مواجهه با کتاب مقدس است. این پیش‌ساخت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در نتیجه مطالعات دارند. قرآن با بیان مصدق و مهیمن بودن خود نسبت به کتب آسمانی پیشین، در صدد ترسیم تصویری واقع‌نما از جایگاه خود در جغرافیای دین (به‌معنای عام) بوده تا از این طریق، مبنایی برای تعامل صحیح ادیان با یکدیگر فراهم کند. این کار زمینه‌تعالی دین و معنویت را در سطح جهان فراهم ساخته و فضای بسته و هویت‌طلبی‌های ناپسند را از بین می‌برد.

### نتیجه‌گیری

با بررسی آیات مربوط به نسبت قرآن و کتب پیشین از جمله تورات و انجیل، جوهری برای مهیمن بودن به‌دست آمد، به این شرح که قرآن اولاً بر پذیرش اصل انزال کتب پیشین و شهادت بر وحیانی بودن و هدایت‌گری آنها تأکید فراوانی دارد. ثانیاً آخرین کتاب را در مقایسه با کتب پیشین از جهت تفصیل و تکمیل معارف (تنوع‌بخشی و عمق‌بخشی به آن) متمایز می‌داند. ثالثاً یکی از اقتضائات حفاظت از کیان دین را تغییر و توسعه جزئی در احکام، متناسب با نیازهای زمانه و بیان اصولی ماندگار می‌شمرد. قرآن در این نگاه، کتابی ناظر و تداوم سلسله کتب پیشین است و در جهت حفظ اساس دین (به‌معنای عام) عمل می‌کند و با تبیین دقیق آنچه در کتب پیشین آمده، و ارتقای معارف و پرده برداشتن از ابعاد جدید و تغییر برخی احکام فقهی، مهیمن بودن خود را آشکار می‌سازد تا از این طریق، مانع سوء برداشت از وحی و مصادره دین توسط سودجویان شده و نقش محوری خود را در هدایت بشر در دوران ختم نبوت ایفا کند.

در منظومه ارتباط میان ادیانی که قرآن ارائه می‌کند، هریک از رسولان و کتاب‌ها مصدق رسولان و کتاب‌های پیشین هستند. مصدق و مهیمن بودن قرآن نیز در این منظومه مفهومی است که به‌نوعی ناظر به رسمیت بخشیدن به ادیان ابراهیمی در نظر گرفته می‌شود. قرآن در عین حال که برای مسلمانان هویت قائل شده و تمایزاتی برای ایشان برمی‌شمرد، اما این معنا به‌گونه‌ای طرح‌ریزی نشده که هویت دینی یهودیان و مسیحیان لطمه خورده و احساس شود که دین جدید جا را برای ادیان پیشین تنگ کرده است.



نسبتی که میان معنای مصدق و مهیمن در آیات برقرار شده، ۱۳ به ۱ است و این، بیانگر رویکرد ویژه قرآن است که همان همراهی و به رسمیت شناختن در عین پذیرش تمایزات است. گویا نزول شریعت جدید با این تصور همراه است که رقیبی برای شرایع موجود پیدا شده که به دنبال حذف قبلی هاست. قرآن بر این تصور خط بطلان کشیده و خود را نه رقیب، بلکه همراه و کامل کننده‌ای در مسیر سعادت معرفی کرده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱- در کتاب کهن «العین» فراهیدی (م ۱۷۰هـ) اساساً نامی از واژه برده نشده است و این خود می‌تواند مؤید دیگری بر غیرعربی بودن باشد.

۲- می‌توان گفت امروزه بیشترین کاربرد این لفظ به قصد اشاره به همین معناست. این مطلب از جمله در معجم الأفعال المتداوله (حیدری، ۱۳۸۱: ۸۰۳) دیده می‌شود. با این حال بیشتر مترجمان قرآن معانی «نگهبانی» و «مراقبت» را ذکر کرده‌اند.

۳- قدیمی‌ترین اشاره به مهیمن در کتب لغوی، مربوط به ابن درید است. او به نقل از ابوبکر می‌گوید: «اسمائی مانند «مهیمن»، «مُسیطر» و «مُسیطر» اگرچه به صیغه تصغیر است، اما با توجه به اینکه از لفظ دیگری گرفته نشده است، مصغر نیست و معنای تصغیر نمی‌دهد، زیرا بعضی لغویان معتقدند مهیمن در اصل «مُویمن» بوده است.» (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱۲۷۲/۳)

۴- برخی گفته‌اند به‌کار بردن الفاظ مسیطر و مسلط در ترجمه و تبیین مهیمن، با توجه به مضمون واژه صورت گرفته و لازم نیست که حتماً چنین کلماتی در کتب لغت به‌کار رفته باشد. یکی از محققان می‌نویسد: «معنای سلطه و حاکمیت لازمه مراقبت است.» (قدردان قراملکی، ۱۳۸۲: ۱۴۳) این برداشت که در مواردی به جهت رد پلورالیسم مطرح گردیده (نک قدردان قراملکی، ۱۳۷۹: ۱۰۷)، کامل به‌نظر نمی‌رسد. معنای تسلط و تملک متفاوت از نگهداری و مراقبت است و استنباط چنین تلازمی میان دو معنا دشوار است.

۵- این موضوع در مقاله‌ای با عنوان «مقصود از تورات و انجیل در قرآن» به تفصیل بررسی شده است. (نک سلامی، ایازی، ۱۳۹۷: ۷۶-۱۰۱)

۶- «کُل» در این آیات بر «عموم حقیقی» دلالت می‌کند، اما دایره شمول آن در محدوده اسباب و وسایل هدایت است. برنامه دعوت انبیا در قلمرو وظیفه و هدف ایشان، یعنی هدایت بشری است. روشن است که بسیاری از مسائل در قرآن بیان نشده و بنابراین نمی‌توان جامعیت را بدون توجه به قلمرو دین معنا کرد. کاربرد تعبیر «تفصیلاً لكل شیء» برای الواح که بیش از دو

یا چند صحیفهٔ مکتوب نبوده، بیانگر آن است که منظور از «کُلُّ شَیْءٍ» در ارتباط با نوع متن فهمیده می‌شود.

۷- البته جامعیت در آیات به تورات و انجیل نسبت داده نشده است، اما شریعت به معنای اعم که تورات و انجیل و سایر معارف مکتوب و غیرمکتوب را دربر می‌گیرد، مشمول این معناست.

۸- دربارهٔ ساز و کار محفوظ ماندن قرآن از تحریف در علوم قرآنی بحث‌های مهمی صورت گرفته و به‌ویژه به دو عامل مهم اشاره شده است: ۱- تلقی مشافهی به نحو تواتر و استفاضه، ۲- کتابت در زمان حیات پیامبر. (نک سیوطی: ۱۴۱۲: ۳۴۲/۱؛ غزالی، ۱۹۸۶: ۲۲، ۲۳)

### فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس (عهد قدیم، ترجمهٔ پیروز سیّار، چاپ دوم، تهران: هرمس، ۱۳۹۴؛ عهد جدید، ترجمهٔ پیروز سیّار، چاپ چهارم، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴).
۳. آرمسترانگ، کرن (۱۳۸۵)، خداشناسی از ابراهیم تاکنون، دین یهود، مسیحیت و اسلام، ترجمهٔ محسن سپهر، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز.
۴. ابن درید، محمدبن حسن (۱۹۸۸)، جمهرة اللغة، بیروت: دارالعلم للملایین.
۵. ابن ربین طبری، علی (۱۳۹۳ق)، الدین و الدولة فی إثبات نبوة النبی محمد، تحقیق عادل نویهض، بیروت: دارالآفاق الجدیده.
۶. ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی‌تا)، المخصّص، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، معجم مقانیس اللغة، تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابن قتیبه، ابومحمد عبدالله بن مسلم (بی‌تا)، غریب القرآن، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۹. رازی، ابوحاتم (۱۹۵۶)، الزینة فی کلمات الإسلامیه العربیه، تحقیق حسین بن فیض الله همدانی، قاهره: کلیه دارالعلوم.
۱۰. ابوعبیده، معمر بن مثنی (۱۳۸۱ق)، مجاز القرآن، تحقیق محمد فؤاد سزگین، قاهره: مکتبه الخانجی.
۱۱. ازهری، محمدبن احمد (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۸۰)، جامعیت قرآن، چاپ سوم، رشت: کتاب مبین.



۱۳. أوجین مَنّا، یعقوب (۱۹۷۵)، قاموس کلدانی-عربی، مع ملحق جدید روفائیل بیداوید، بیروت: منشورات مرکز بابل.
۱۴. بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، تحقیق عبدالرزاق المهدي، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. بلاغی نجفی، محمدجواد (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، تحقیق واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، قم: بنیاد بعثت.
۱۶. ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، تحقیق أبو محمد بن عاشور، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق)، أحكام القرآن، تحقیق: محمد صادق قمحاوی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. جفری، آرتور (۱۳۸۶)، واژه‌های دخیل در قرآن، ترجمه و تحقیق فریدون بدره‌ای، چاپ دوم، تهران: توس.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تسنیم، تحقیق حسین شفیعی و محمد فراهانی، قم: اسراء.
۲۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق)، الصحاح، تحقیق و تصحیح احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین.
۲۱. حیدری، محمد (۱۳۸۱)، معجم الأفعال المتداوله، قم: المركز العالمی للدراسات الإسلامیة.
۲۲. حیدری، علیرضا؛ ضمیری، محمد رضا؛ رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۳)، «اقتباس قصص قرآن از عهدین؛ بررسی و نقد نظریه دره حدّاد»، معرفت ادیان، شماره ۱۸، ۳۵-۵۶.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار القلم.
۲۵. رشیدرضا، محمد (بی‌تا)، تفسیر المنار، الطبعة الثانية، بیروت: دار المعرفة.
۲۶. سلامی، احمد، ایازی، سید محمد علی (۱۳۹۷)، «مقصود از تورات و انجیل در قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۸۶، ۷۶-۱۰۱.
۲۷. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۲۱ق)، الإیتقان فی علوم القرآن، تحقیق فواز احمد زمرلی، بیروت: دار الكتاب العربی.

۲۸. صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، تحقیق و تصحیح محمدحسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب.
۲۹. صدر، سید محمدباقر (۱۴۳۲ق)، أئمة أهل البيت و دورهم فی تحصین الرسالة الإسلامية، چاپ دوم، قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیه للشهید الصدر.
۳۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. طباطبایی، سید محمدعلی (۱۳۹۶)، بررسی زمینه‌های تاریخی اعتقاد به تحریف تورات و انجیل در میان مسلمانان نخستین، پایان‌نامه دکتری علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمدجواد بلاغی، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو.
۳۳. طبری، ابوجعفر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
۳۴. غزالی، محمد (۱۹۸۶)، نظرات فی القرآن، قاهره: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره.
۳۷. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۲)، «تأملی در "نقدی بر قرآن و پلورالیزم"»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۴، ۱۳۶-۱۵۵.
۳۸. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۷۹)، «تأملی در مستندات قرآنی پلورالیزم»، معرفت، شماره ۳۴، ۱۰۲-۱۱۲.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۰. کمالی، طلال فائق (۱۴۳۷ق)، نظریة الهيمنة فی القرآن الکریم، کربلاء: مرکز کربلاء للدراسات والبحوث.
۴۱. مشکور، محمدجواد (۱۳۵۷)، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.



۴۲. مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق)، التحقيق في كلمات القرآن، الطبعة الثالثة، بيروت و لندن و قاهره: دارالکتب العلمیه و مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۸)، محمد خاتم پیامبران، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد.
۴۴. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶)، صیانة القرآن من التحریف، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۴۵. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۶. نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۱۱ق)، السنن الكبرى، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۴۷. هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶ق)، تفسیر کتاب الله العزیز، الجزائر: دار البصائر.
48. Jastrow, Marcus (1903), *A Dictionary of The Targumim, The Talmud Babli And Yerushalmi, And The Midrashic Literature*, London: Luzac & co, Newyork: G, P, Putnams Sons.
49. Costaz, Louis, S.J (2002), *Dictionnaire Syriaque-Francais/ Syriac- English Dictionary/ قاموس سرياني عربي*, Troisieme Edition, Beyrouth: Dar El Machreq.